



درس دوازدهم بحران‌های معرفتی و معنوی



برخی چالش‌ها مربوط به ← لایه‌های سطحی فرهنگ اند

و برخی لایه‌های عمیق‌تر فرهنگ

← سکولاریسم، اومانیزم و روشنگری

← بحران‌های معرفتی و معنوی به این لایه تعلق دارند

## بحران معرفتی

در درس پنجم درباره‌ی رویکرد معرفتی علمی فرهنگ غرب پس از رنسانس، مطالبی آموختید. آیا آن رویکرد را به یاد دارید؟ غرب معاصر چگونه از آن بحران علمی معرفتی عبور کرد و با چه بحران علمی معرفتی جدیدی مواجه شد؟

معتبرترین راه شناخت جهان در فرهنگ **قرون وسطی** ← کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا

← نادیده گرفتن عقل و تجربه

معتبرترین راه شناخت جهان در دوران **رنسانس** ← نادیده گرفتن وحی و شهود

← قبول عقل و تجربه

شناخت عقلی را هم قبول نکردند

البته در قرن نوزدهم و بیستم

و فقط **شناخت حسی و تجربی** را تنها راه شناخت علمی می‌دانستند.

www.my-dars.ir

به طوری که در قرن نوزدهم معتقد بودند فقط با روش تجربی می توان به شناخت جهان هستی دست یافت معتقد بودند آگاهی ها و علوم جوامع دیگر غیرعلمی است پیروی از فرهنگ غرب تنها راه پیشرفت دیگر فرهنگ ها است.

بحران معرفتی جدید هنگامی آغاز شد که نشان داد دانش تجربی دارای محدودیتهایی هست و توان داوری ارزشی ندارد.

در نیمه اول قرن بیستم، با روشن شدن محدودیت های علم تجربی علم از داوری های ارزشی دست برداشت و به امور طبیعی پرداخت.

در نیمه دوم قرن بیستم مشخص شد علم تجربی دارای مبانی غیرتجربی هم است. علم مدرن زیر سؤال رفت. علم تجربی غربی تنها جهان طبیعت را تفسیر نمی کند. می تواند تفسیرهای متناسب با فرهنگ های دیگر را هم داشته باشد.

تردید درباره مبانی علوم تجربی غربی تردید درباره بنیان های هویتی فرهنگ غرب یعنی لایه های عمیق یا همان فلسفه روشنگری بود.

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

**ابعاد بحران معرفتی علمی** ← افول روشنگری و شکل‌گیری جریان‌های پُست مدرن  
ناسازگاری ابعاد معرفتی جهان غرب با **نیازهای اقتصادی و سیاسی** آن

### افول روشنگری و شکل‌گیری جریان‌های پُست مدرن

روشنگری مدرن از قرن نوزدهم ← حس و تجربه را قبول داشت.  
ولی پس از اینکه مشخص شد، علم تجربی به شناخت‌های غیرتجربی هم وابسته است،  
روشنگری مدرن مورد تردید واقع شد. →  
به کسانی که به روشنگری مدرن تردید کردند ← **پسامدرن** می‌گفتند.

### ناسازگاری ابعاد معرفتی جهان غرب با نیازهای اقتصادی و سیاسی آن

وقتی سیاست و اقتصاد جهان غرب، جهانی شد، اینها به علمی‌نیاز داشتند که جهانی شدن آنها را توجیه بکنند اما اندیشه‌های پسامدرن این ظرفیت را نداشتند، در نتیجه متفکران پسامدرن در اصول و مبانی فرهنگ غرب تردید کردند.  
جهان غرب حضور جهانی خودش را از نظر سیاسی و اقتصادی نمی‌توانست توجیه بکنند و در این کار ناتوان بود یعنی در واقع بین **عملکرد اقتصادی و سیاسی** غرب با **توانمندی‌های معرفتی و علمی** ناسازگاری وجود داشت.

### بحران معنویت

در فرهنگ غرب گرایش به دین و معنویت از سر گرفته شده است و حتی برای پاسخ دادن به نیاز فطری آدمی به معنویت، دین‌های جدید و عرفان‌های رنگارنگ همانند قارچ از زمین روییده‌اند و عده‌ای از آنها پیروی می‌کنند. بحران معنویت چه زمانی و چرا در فرهنگ غرب پدید آمد؟ جامعه‌شناسان با چه نام‌هایی از این بحران یاد کرده‌اند؟ این بحران چه پیامدهایی داشته است؟

## گروه آموزشی عصر

### در فرهنگ مدرن:

سکولاریسم به صورت آشکار مطرح شد. [www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)  
سکولاریسم به ترتیب، در حوزه‌های هنر، اقتصاد، سیاست و علم ظاهر گردید (فرهنگ تخصصی)  
اما فرهنگ عمومی جامعه غربی، در محدوده زندگی شخصی و خصوصی افراد، همچنان دینی باقی ماند.

جامعه شناسان بر این گمان بودند که در قرن بیستم

دین از قلمرو فرهنگ عمومی هم از بین خواهد رفت ولی اینگونه نشد.

پس منظور از عناوین

افول سکولاریسم و پسا سکولاریسم

طی قرن بیستم نه تنها دین از فرهنگ عمومی مردم خارج نشد،

بلکه به سطوح مختلف زندگی انسان ها بازگشت.

بعضی متفکران از این موج که نشانه بحران معنویت در فرهنگ غرب است

با عناوین افول سکولاریسم و پسا سکولاریسم یاد می کنند.

مهم ترین علت تداوم باورهای دینی و معنوی در زندگی انسان

نیاز فطری آدمی به حقایق قدسی و ماوراء طبیعی است

در یک فرهنگ هم باید به نیازهای جسمانی و دنیوی انسان پاسخ داده شود و هم به نیازهای معنوی

بی توجهی به هر دو منجر به بحران می شود.

فرهنگ غرب با اصالت بخشیدن به انسان دنیوی در قرن بیستم

باعث پوچ گرایی، یأس و ناامیدی و مرگ آرمان ها و امیدها شده است.

www.my-dars.ir

## پیامدهای اجتماعی گریز و رویگردانی از سکولاریسم در جوامع غربی

برخی از نخبگان جهان غرب را به جست و جوی سنت های **قدسی و دینی** و داشت.

مهاجران ساکن کشورهای غربی را به سوی **هویت دینی** خود فراخواند.

بازار **معنویت های کاذب و دروغین** را رونق بخشید؛

نمونه هایی از این معنویت های دروغین ←

خرافه پرستی

شیطان پرستی

انواع بازسازی شده ادیان و عرفان های شرقی

و سرخ پرستی

با تشکر: رقیه حیدری، دبیرستان فاطمیه

استان زنجان ، شهرستان طارم

مای دارس

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)